

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از تفاوت تا تفاهم

آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد

سرشناسه: محمدی صیفار، مهدی، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: از تفاوت تا تفاهم: آشنایی با تفاوت های زن و مرد
مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی هنری طریق معرفت ثقلین، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۷۲ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۵۱-۲-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۳۱۵۴۹

از تفاوت تا تفاهم

آشنایی با تفاوت های زن و مرد



به سفارش:

مدیریت مطالعات معاونت تهذیب حوزه های علمیه
نویسنده: مهدی محمدی صیفار
زیر نظر شورای کارشناسی: هادی حسین خانی، کاظم علی محمدی
حروفچین و صفحه آرا: سمانه کیانی بیدگلی
نوبت چاپ: تابستان ۱۳۹۴
چاپ: اول
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰/۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۵۱-۲-۷
ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری طریق معرفت ثقلین
لیتوگرافی، چاپ، نقش، زلال کوثر



مراکز پخش:

قم- صفائیه- کوی ۳۷- پلاک ۱۶
معاونت تهذیب حوزه های علمیه
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۱۶۲
فروشگاه مجازی ۲۴: www.FM۲۴.ir
۰۹۱۹۰۶۵۸۰۵۰

فهرست

- پیشگفتار ۷
- مقدمه ۹
- مهارت های زندگی ۱۰

■ گفتار اول: شباهت ها و مشترکات زن و مرد

۱. اصل آفرینش ۱۵
۲. ویژگی اختیار و اراده ۱۷
۳. پوشش یکدیگر بودن ۱۹
۴. تکالیف شرعی ۱۹

■ گفتار دوم: تفاوت های زن و مرد

- اهمیت ۲۳
- تفاوت در نقش های مربوط به جنسیت ۲۵
- تفاوت در فضایل اخلاقی ۲۸
- تفاوت در کلی نگری و جزئی نگری ۳۲

| | |
|----|---|
| ۳۴ | تفاوت در کم حرفی و پر حرفی |
| ۳۸ | تفاوت در ارتباط کلامی |
| ۴۰ | تفاوت در تشریفات گرایبی |
| ۴۰ | تفاوت در توجه به ظاهر یا حس زیبایی شناختی |
| ۴۳ | تفاوت در طرز استفاده از حواس |
| ۴۴ | تفاوت در عواطف و احساسات |
| ۴۶ | تفاوت در رفتارهای جنسی |
| ۵۰ | تفاوت در نفوذپذیری |
| ۵۱ | تفاوت در تحمل رنج |
| ۵۱ | تفاوت در علاقه ها و سلیقه ها |

■ منابع و مأخذ

| | |
|----|--------------|
| ۵۹ | منابع و مأخذ |
| ۶۲ | سایر محصولات |

پیشگفتار

اسلام، خانواده را محبوب‌ترین و عزیزترین بنیان اجتماعی نزد خداوند دانسته است. درباره ترغیب به ازدواج، تنظیم روابط خانوادگی، مسئولیت اعضای خانواده در برابر یکدیگر و استحکام خانواده، آموزه‌های بسیاری در منابع اسلامی وجود دارد.

توجه به تشکیل خانواده و استحکام و کارآمدی آن، نه تنها وظیفه اعضای خانواده، که مسئولیتی اجتماعی و حکومتی است. جامعه نسبت به ازدواج افراد، و تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده مسئول شناخته شده و پس از آن نیز نسبت به ترمیم خانواده و حل مسائل و مشکلات خانوادگی وظیفه مند است. «خانواده محوری» در منظومه معرفت اسلامی یک راهبرد کلان محسوب می‌شود. در نگاه اسلامی، خانواده بیشترین تأثیر و بالاترین مسئولیت را در باب تربیت بر عهده دارد. خانواده محوری از یک منظر به معنای توانمندسازی در حل مسائل خود، ارتقاء مهارت‌ها و تقویت دانش خانواده و تحکیم جایگاه تربیتی آن است.

امروزه به برکت انقلاب اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی با وجود رهبری اسلام‌شناس، آگاه، عادل و دلسوز نسبت به صلاح و مصلحت فرد و اجتماع، توجه به ارزش‌های اصیل و عوامل کلیدی سعادتبخش در جامعه همچون خانواده، بیش از هر زمان دیگری تجلی می‌نماید.



در بستر انقلاب اسلامی که خود یک انقلاب اصیل فرهنگی ناشی از فرهنگ ناب اسلام عزیز بود، تأکید بر پاسداشت خانواده، به دلیل جایگاه یگانه آن در فرایند مهم تربیت و شکل دهی به ارزش ها ضرورتی آشکار یافته است. در همین راستا، مجموعه کتاب های خانواده در چهار بخش تشکیل، تحکیم، تعالی و ترمیم خانواده با تأکید بر اصل تقدم پیشگیری بردرمانگری و با رویکرد اسلامی تدوین شده و به علاقه مندان تقدیم می گردد.

کتاب «از تفاوت تا تفاهم»، مشترکات و تفاوت های زن و مرد را بر اساس آموزه های دینی و روان شناختی بحث کرده که در بخش آثار مربوط به تحکیم خانواده قرار می گیرد.

در پایان، از پژوهشگر محترم حجّت الاسلام والمسلمین مهدی محمدی صیفار که کتاب حاضر به همت وی تدوین شده است و هم چنین از راهنمایی های حجّت الاسلام والمسلمین مجتبی کوشری تقدیر و تشکر می شود.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
مدیریت مطالعات تربیتی فرهنگی
معاونت تهذیب حوزه های علمیه



مقدمه

امروزه دامنه اختلافات خانوادگی در عموم اصناف جامعه گسترش یافته و متأسفانه آمار طلاق بالا رفته است. آمارهای ازدواج و طلاق پایان سال ۱۳۹۲ در کشورمان حاکی است که در مقابل هر ۴/۵ ازدواج ثبت شده، یکی منجر به طلاق شده است. این آمار در تهران وحشتناک بوده و در هر ۴/۳ ازدواج، یک طلاق اتفاق می‌افتد. چرا این اتفاقات رخ می‌دهند؟ دلیلش آن است که ما نمی‌دانیم چگونه باید زندگی کنیم. زندگی کردن مهارت‌هایی لازم دارد و مهارت‌های آن نیازمند آموزش است.

کارآمدی خانواده در گرو کارآمدی رابطه میان زن و شوهر است؛ وزن و شوهر دو فرد از دو جنس و دارای شخصیت و تربیت متفاوت هستند که می‌خواهند عمری کنار یکدیگر زندگی کنند. ضرورت دارد زوج‌های جوان که تازه تشکیل خانواده داده و زیر یک سقف رفته‌اند، شناخت نسبی از نقاط قوت و ضعف و تفاوت‌ها و اشتراک‌های یکدیگر داشته باشند. عدم آگاهی از نقاط مشترک و متفاوت، به اختلافات منجر شده و زندگی را تلخ کرده و حتی به طلاق خواهد انجامید.

تجارب حاصل از مطالعه و مشاوره خانواده، به این نتیجه می‌رساند که بیشترین درصد اختلافات و ناسازگاری‌ها، ریشه در عدم شناخت مرد و زن از شرایط حاکم بر جنسیت و نیز ویژگی‌های یکدیگر دارد. اگر زن و شوهر نسبت به ویژگی‌ها و تفاوت‌هایشان آگاهی داشته باشند، در ارتباطات میان خود موفق‌تر عمل می‌کنند و در این صورت، زندگی مشترک استحکام یافته و پایدار خواهد شد.



مهارت‌های زندگی

مهارت زندگی کردن یعنی چه؟ کسانی که از جاده چالوس به شمال رفته‌اند، می‌دانند که جاده‌ای زیبا و چشم‌نواز، ولی دارای پیچ‌های خطرناک است. زندگی نیز این‌گونه است؛ هم زیبا و هم خطرناک. چه کسی می‌تواند از زیبایی جاده چالوس استفاده کند؟ کسی که پشت ماشین بنشیند، پایش را روی گاز بگذارد و بگوید هر طوری که دلم می‌خواهد می‌روم؟ به طور قطع ماشین او به دره سقوط می‌کند یا با کوه برخورد می‌کند؛ اما کسی که مهارت دارد، می‌داند سرپیچ‌ها چگونه و با چه سرعتی بپیچد؟ با دنده سبک حرکت کند یا سنگین؟ او می‌تواند این جاده را به سلامت عبور و از زیبایی‌هایش بهره‌بردار.

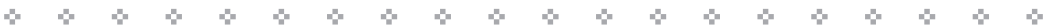
امروز متأسفانه خیلی از زن‌ها و شوهرها پا را روی گاز گذاشته، فرمان را آن‌گونه می‌پیچانند که خودشان می‌خواهند؛ از این رو تصادفات و اختلافات زندگی زیاد شده است. دلیلش آن است که به ما یاد داده نشده چگونه همسر داری کنیم؟ وقتی گفته می‌شود مهارت زندگی، یعنی آموختنی است، نه ژنتیکی و وراثتی؛ پس باید آن را یاد گرفت.

در درس شیمی دوره دبیرستان، جدول مندلیف را خوانده‌ایم؛ ولی هیچ‌گرمی از زندگی ما باز نکرده است که بگوییم این جدول، مشکل ما را در زندگی برطرف کرد. قضیه فیثاغورث، تالس، جذر اعشاری و ... چقدر از مشکلات زندگی ما را حل کرده‌اند؟ یا روش زندگی کردن به ما آموخته‌اند؟ نمی‌خواهیم بگوییم این‌ها بدنند؛ ولی آموختن چگونه زندگی کردن لازم‌تر است؛ حتی کسانی که دارای سطح تحصیلات عالی هستند، نیازمند آموختن مهارت‌های زندگی هستند.



اغلب جوانان هنگام ازدواج، نمی دانند چگونه باید رفتار کنند. وقتی جنس مخالف را می بینند، طبق گزینه و احساسات زود عاشق می شوند و پس از ازدواج که از تب و تاب و شور اولیه کاسته می شود و جنبه های عاطفی فروکش می کند، می فهمند چقدر از یکدیگر فاصله دارند. آن گاه اختلافات شروع می شود و سرانجام زندگی فرومی پاشد؛ چرا که درس مهم مهارت های زندگی را به درستی فرا نگرفته اند. یکی از مهارت هایی که زن و شوهر لازم است در اوان زندگی بیاموزند، آگاهی از ویژگی های هر کدام است. آگاهی نسبت به ویژگی هایی که زن و شوهر در آن ها مشترک یا متفاوت هستند، شیوه رفتار آنان را مشخص خواهد کرد.

در این نوشته، نخست مشترکات زن و شوهر و سپس تفاوت های آن ها با استفاده از آموزه های نورانی اسلام و هم چنین روان شناسی توضیح داده می شود.





گفتار اول:
شبهات‌ها
و مشترکات
زن و مرد

شباهت‌ها و مشترکات زن و مرد

گرچه موضوع بحث ما شناخت تفاوت‌های زن و مرد است؛ ولی قبل از ورود به مبحث بررسی تفاوت‌های موجود بین زن و مرد، لازم است بدانیم آن دو قبل از هر چیز دارای چه اشتراکاتی هستند.

خداوند انسان را به صورت دو جنس زن و مرد آفرید و همین انسان بودن کافی است که آن‌ها در بسیاری از ویژگی‌ها، حقوق و وظایف و تکالیف مشترک باشند. برخی از اشتراک‌های موجود بین زن و مرد عبارت است از:

۱. اصل آفرینش: در نگاه قرآن، زن انسانی همانند مرد است و انسان بودن مربوط به جنس و تن نیست. زن و مرد در آفرینش، مبدأ و هدف آفرینش مشترک هستند. در آیه یک سوره نساء به اشتراک در آفرینش و مبدأ آن دو اشاره شده و می‌فرماید:

ای مردم! از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید، پروا ننمایید و زهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

مبدأ همه انسان‌ها از آدم و حوا و آن دو از یک واقعیت خلق شده‌اند که در قرآن کریم از آن با عنوانی چون: ماء، طین، تراب، نطفه، نطفه امشاج و علق و... یاد شده است. از نظر هدف آفرینش نیز، زن به جهت همان هدفی (رسیدن به کمال) خلق شده که مرد آفریده شده است.

۱. رک: نساء، ۱۲۴؛ نحل، ۹۷؛ توبه، ۲۷ و احزاب، ۳۵.

برای نمونه در آیه ۱۲۴ سوره نساء آمده است:

و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند یا زن؛ در حالی که مؤمن باشند؛ آنان داخل بهشت می‌شوند و به قدر گودی پشت هسته خرما پی مورد ستم قرار نمی‌گیرند. آیه ۵۶ سوره ذاریات بیان می‌دارد که ما جن و انسان را نیافریدیم جز این که ما را بپرستند تا به واسطه آن به کمال برسند. علاوه بر آن، در آیات متعددی در سوره‌های نساء، توبه، احزاب، فتح، حدید، یس، بقره، به تساوی زن و مرد در بهره‌مندی از رسیدن به کمال و مقام بندگی، یا ابتلا به انواع عذاب‌ها به دلیل مخالفت با دین اعلام نموده و سرنوشت یکسانی برای مرد مؤمن و زن مؤمن و مرد صالح و زن صالح و برای مرد کافر و زن کافر و مرد مشرک و زن مشرک ترسیم کرده است.

کسانی که زن را پست‌تر از مرد می‌دانند یا به زن به عنوان کالا می‌نگرند، ناشی از آن است که آفرینش زن را غیر از مرد دانسته و گاهی در انسان بودن زن شک دارند یا او را عنصر گناه می‌دانند و بدین سبب رفتاری تحقیرآمیز با او دارند. غافل از این که نه مرد و نه زن، هیچ‌کدام به تنهایی انسان کاملی نیستند و آن‌گاه که کنار یکدیگر قرار گیرند، مکمل هم خواهند بود و بهتر می‌توانند مراحل رشد و کمال را طی کنند.

شهید مطهری این نوع نگاه به زن را با عبارات‌های رسا چنین توضیح می‌دهد:

در قرآن از آن‌چه در بعضی از کتب مذهبی هست که زن را مایه‌ای پست‌تر از مایه مرد آفریده شده و یا این‌که به زن جنبه طفیلی و چپی داده‌اند و گفته‌اند که همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شده، اثر و خبری نیست. علی‌هذا در اسلام نظریه تحقیرآمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و



طینت وجود ندارد.^۱

۰۲. ویژگی اختیار و اراده: تمام انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و چون آزادند، حق انتخاب دارند و میان زن و مرد به ویژه در حق انتخاب شریک زندگی خود هیچ فرقی نیست.

زن نیز همانند مرد حق دارد همسر دلخواه خود را انتخاب کند و نباید در ازدواج به او اجبار کرد.^۲

ماهیت انسانی: زن و مرد دارای یک ماهیت انسانی هستند^۳ و از این رو، خداوند هنگام خلقت از روح خود در آن دو دمید؛^۴ و آن‌ها به طور یکسان از یک روح الهی برخوردار گردیدند.

آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت من بشری را از گل خواهم آفرید* پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید.^۵

اعتدال در خلقت: هم زن و هم مرد از لحاظ ساختار وجودی خود در نهایت اعتدال هستند و هیچ نقصی در آفرینش آن‌ها وجود ندارد؛ همان‌طور که فرمود:

به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.^۶

ابزار شناخت: زن مانند مرد، دارای یک نوع ابزار شناخت است؛ یعنی هر دو از ابزار شناخت چشم، بینایی و قلب و به طور کلی شناخت حسی و غیرحسی بهره‌مندند.

۱. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۹.

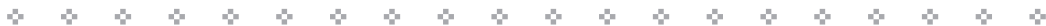
۲. زن و مردی دارای حق انتخاب هستند که شرابیطی از جمله عقل، بلوغ و رشد را داشته باشند.

۳. سوره حجر، آیه ۲۶.

۴. سوره حجر، آیه ۲۹.

۵. سوره ص، آیات ۷۱-۷۲.

۶. سوره تین، آیه ۴.



و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرارداد. باشد که سپاس گذاری کنید!^۱

امانت دار الهی: آن دوی به طور مشترک و با صفت انسان بودن مورد خطاب بوده و خداوند هر دو را امانتداری خویش می داند.

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم. پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت. به راستی اوستمگری نادان بود.^۲

وجدان اخلاقی: زن و مرد در وجدان اخلاقی و برخورداری از فضایل و رذایل اخلاقی نیز مشترک هستند. هم زن می توان متصف به صفات اخلاقی و تقوا گردد و هم مرد؛ یا هر دو با کسب رذایل اخلاقی و فسق و فجور از ماهیت انسانی خود ساقط شوند.

سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.^۳

مخاطب الهی: در آیات بسیاری، زن و مرد به طور یکسان با تعبیراتی مانند «الَّذِينَ آمَنُوا، الَّذِينَ كَفَرُوا، يَا أَيُّهَا الْإِنْسَان» مورد خطاب الهی هستند و هیچ تفاوتی میان آن ها در خطاب های عام وجود ندارد.

موانع تکامل: موانعی مانند نفس اماره و شیطان که می تواند از تکامل زن و مرد جلوگیری کند، در هر دو یکسان است. هر دو برای انسان دشمنی آشکار هستند.^۴

شهید مطهری در این باره می نویسد:

۱. سوره نحل، آیه ۷۸.

۲. سوره احزاب، آیه ۷۲.

۳. سوره شمس، آیه ۷ و ۸.

۴. سوره یوسف، آیه ۵.

قرآن داستان بهشت آدم را مطرح کرده، ولی هرگز نگفته که شیطان یا مار حوا را فریفت و حوا آدم را. قرآن نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند. قرآن می‌گوید به آدم گفتیم خودت و همسرت در بهشت سکنی گزینید و از میوه‌های آن بخورید. قرآن آن‌جا که پای وسوسه شیطان را به میان می‌کشد، ضمیرها را به شکل "تثنیه" می‌گوید: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ؛ الشَّيْطَانُ آن دورا وسوسه کرد»، «فَدَلَّيْمَا بِغُرُورٍ؛ شَيْطَانُ آن دو را به فریب راهنمایی کرد»، «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ؛ یعنی شیطان در برابر هر دو، سوگند یاد کرد که جز خیر آن‌ها را نمی‌خواهد».^۱

۳. پوشش یکدیگر بودن: خداوند زن و مرد را برای همدیگر پوشش قرار داد؛

همان‌طور که در قرآن فرمود:

همسرانتان پوشش شما و شما پوششی هستید برای آنان.^۲

۴. تکالیف شرعی: زن و مرد در انجام اکثر تکالیف شرعی، مورد خطاب

شارع مقدس هستند؛ یعنی هر دو باید نماز بگزارند، روزه بگیرند، به نامحرم نگاه نکنند، پوشش داشته باشند، مسئول اعمال خود هستند و در هنگام سخن گفتن موظف به رعایت حیا می‌باشند که در سوره‌های بقره، آیه ۱۸۳، مائده، ۳۸، نور، ۲ و ۳۱ و آیات متعدد دیگر این مطلب بیان شده است.

برای نمونه در سوره نور، آیه ۲ آمده است:

به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در [کار] دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کيفر آن دو حضور یابند.

۱. سوره اعراف، آیه ۲۰.

۲. مطهری، همان، ص ۱۲۰.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷.



گفتار دوم:

تفاوت های

زن و مرد

تفاوت‌های زن و مرد

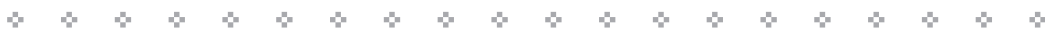
اهمیت

زن با زن و مرد با مرد نمی‌توانند زندگی کنند؛ چون دارای دوروحیه مکمل هم نیستند. حال اگر روحیه مردها مثل خانم‌ها باشد، باز نمی‌توانند با هم زندگی کنند. بلکه مرد باید روحیه‌ای داشته باشد که بتواند لنگرگاه زن باشد.

زوج‌های جوان آن‌گاه که تشکیل خانواده داده و تصمیم گرفته‌اند زندگی مشترک خود را زیر یک سقف شروع کنند، شور و شوق فراوان و وصف ناپذیری دارند و بهترین روزهای عمر خود را سپری می‌کنند؛ ولی زیر یک سقف بودن، تنها برای احساس خوشبختی کافی نیست و لازم است زوج‌های جوان، فهم و درک متقابلی از یکدیگر داشته باشند.

لازمه درک متقابل، شناخت ویژگی‌ها و تفاوت‌ها است. عدم شناخت، به روابط زن و مرد آسیب می‌رساند؛ چرا که هر کدام می‌کوشد دیگری را از زاویه دید خود ببیند و مطابق میل و رفتار خود بسنجد که براساس آن، انتظار انجام رفتارهای مطابق با میل خود دارد؛ در حالی که هیچ‌گاه چنین اتفاقی نخواهد افتاد. این جاست که بیشترین تنش‌ها در روابط زن و مرد پدید می‌آید.

حمید و همسرش سارا شب به میهمانی دعوت شده بودند. نزدیک غروب حمید به سارا گفت: وقت رفتن است، بلند شو تا آماده شویم. حمید پس از شستن دست و صورت و پوشیدن لباس هایش، زود آماده رفتن شد؛ ولی همین که نگاه کرد، دید سارا هنوز هیچ کاری نکرده، بلکه در کمد، لباس هایش را زیر و روی می‌کند. حمید گفت: سارا! من آماده‌ام و توهنوز هیچ کاری نکرده‌ای؟ سارا گفت: چه کار



کنم؟ لباسی که مناسب میهمانی امشب باشد، پیدا نکرده‌ام و نمی‌دانم چه لباسی بپوشم؟ سارا پس از کلی زیر و رو کردن لباس‌ها، پیراهنی را انتخاب کرد. نیم ساعت گذشت، ولی سارا آماده نشده بود. حمید حوصله‌اش سر رفت و با عصبانیت گفت: سارا! خسته شدم. اگر نمی‌خواهی بروی، لباس‌هایم را در بیاورم. حمید دید سارا به او توجهی ندارد و جلوی آینه مشغول است و کاملاً آماده نشده است. پس از ۵۰ دقیقه، سارا صدازد: حمید! حالا برویم. اما حمید اخم‌هایش درهم کشیده بود و عصبانی. ناراحت بود و کلی هم غرغر کرد و گفت: با شما خانم‌ها نباید جایی رفت. یک ساعت طول می‌کشد که آماده شوید.

حمید نمی‌دانست که خانم‌ها به جزئیات بیشتر اهمیت می‌دهند تا جایی که می‌خواهند بروند و این‌که با چه لباس و سرو وضعی می‌خواهند بروند؛ ولی آقایان به کلیات توجه دارند و هدف‌گرا هستند و می‌خواهند زودتر به هدف مورد نظر (همان میهمانی) برسند.

بنابراین آگاهی از تفاوت‌های شناختی، عاطفی، روانی و رفتاری به هر کدام از زن و مرد این فرصت را می‌دهد که هم‌زبان و همدل باشند و بتوانند به دنیای یکدیگر وارد شده و به زبان مشترک دست یابند.

روحیه زنانه، برای زنان است و روحیه مردانه، ویژه مردان و اگر این تفاوت‌ها جابه‌جا شود، نقش‌ها جابه‌جا می‌شوند و کسی نمی‌تواند در جایگاه خود، ابراز وجود و احساس مسئولیت کند و آن‌گاه مشکلات دیگری به وجود می‌آید. اگر این جابه‌جایی‌ها اتفاق بیفتد، مرد دیگر نمی‌تواند خانواده را سرپرستی کند؛ چنان‌که اگر زن روحیه‌ای مردانه پیدا کند، نمی‌تواند همسر و مادر خوبی باشد؛ بنابراین لازم است زوج‌های جوان، پیش از هر چیزی شناخت کاملی از یکدیگر داشته باشند.

اینک به مواردی از تفاوت‌ها که در زندگی مشترک مهم است، اشاره می‌گردد:



تفاوت در نقش‌های مربوط به جنسیت

انسان اعم از دو جنس زن و مرد است که از لحاظ فیزیکی و جسمی از یکدیگر تفاوت دارند؛ با این حال، آن دو از نظر زنانگی و مردانگی، روحیه، احساس، گرایش و رفتاری متمایز از خود نشان می‌دهند و هر کدام نیازها و ویژگی‌های خاصی دارند. می‌توان گفت که تفاوت جنسیتی (زنانگی و مردانگی) به تفاوت جنسی برمی‌گردد.

جامعه از زن، انتظار نقش مرد را ندارد و برعکس؛ چرا که زن، زن است و باید نقش‌هایی متناسب از او انتظار داشت. اگر این نقش‌ها و انتظارات جابه‌جا شود، نظام خانواده مختل می‌شود؛ زیرا زن به درستی نمی‌تواند نقش مرد را ایفا کند و مرد نقش زن را. نقش هر کدام متناسب با ساختارهای وجودی و فیزیکی آن‌ها است؛ مثلاً زن در برابر کارهای سخت که به زور و قدرت بیشتری نیاز دارد، تاب مقاومت ندارد و زود از پا در می‌آید و از طرف دیگر، مرد نمی‌تواند لطافت و ظرافت زن را در خود ایجاد کند. هر یک از زن و مرد فی‌نفسه ناقص‌اند و آن‌گاه که کنار یکدیگر قرار گیرند، کامل می‌شوند.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌نویسد:

از مجموع این دو (زن و مرد) یک واحد کامل به وجود می‌آید که می‌تواند تولید نسل را موجب شود. تولید نسل فایده‌مترتب بر ازدواج است. به دلیل همین نیازمندی است که هر یک از آن دو به سوی دیگری کشیده می‌شود تا با پیوند با او آرامش پیدا کند **لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا**؛ زیرا هر ناقصی، مشتاق کمال خویش است.^۱ ریشه بیشتر اختلافات بین خانواده‌ها، در این است که مرد و زن شرایط حاکم بر جنسیت یکدیگر را نمی‌شناسند؛ مثلاً آقا خسته است و خانم

۱. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

نمی‌داند که در مواجهه با این خستگی چگونه عمل کند و چه تعاملی داشته باشد. اگر این دو نکته کشف بشود و همسران آن‌ها را بیاموزند، به طور مسلم زندگی استحکام بیشتری خواهد داشت و اختلافات کمتری در خانواده به وجود خواهد آمد.

افراد بسیاری که برای طلاق به مشاور مراجعه می‌کنند، این مسأله را مطرح می‌کنند که ناراحتی اصلی آن‌ها، نبود محبت و درک متقابل است؛ مثلاً می‌گویند: وقتی تب می‌کنم، می‌خواهم برای من تب کنند؛ هم‌چنان که وقتی او تب می‌کند، مثل پروانه دور او می‌گردم. بایستی زن و مرد به یک سمت و سو نگاه کنند و با شناخت یکدیگر، همراه، همدل و پشتیبان هم باشند.

در آموزه‌های اسلامی بنا بر روایات معصومین علیهم‌السلام تأکید شده است که به تفاوت‌های جنسی زن و مرد در آماده‌سازی برای انجام وظایف و مسئولیت‌ها، از آغاز کودکی و در ادامه در دوران جوانی توجه گردد. تأکید به فراهم کردن برخی کارهای رقابتی برای پسران^۱، توجه به روحیات عاطفی و توان جسمی دختران و زنان و یاد دادن اصول خانه داری به آن‌ها^۲، پرهیز از زنان و مردان از تشبه به یکدیگر در پوشش^۳، برشمردن وظایف مردانه و زنانه برای هر کدام، مانند تمکین زن از مرد و خودآرایی زنان برای مردان^۴ و سفارش به نیکوشوهرداری زنان^۵ و از سوی دیگر مدیریت مرد بر زن^۶، و این‌که دختران از کودکی سرشار از احساس و عاطفه‌اند

۱. در روایات آمده «به پسران خود شنا و تیراندازی بیاموزید» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۵ و ۴۸۱).

۲. رک: کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۸ و حرعاملی، همان، ج ۲۰، ص ۱۶۸.

۳. حرعاملی، همان، ج ۱۲، ص ۲۱۱.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۱۵۷.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶.

۶. سوره نساء، آیه ۳۴.



که تا دوران مادری و بزرگ‌سالی ادامه دارد،^۱ همه از جمله دلایل به رسمیت داشتن نظام تفکیک جنسیتی در اسلام است. بنابراین مرد و زن، براساس جنسیت خود، دارای وظایفی متفاوت از دیگری است.

برای مثال، تقسیم کار خانگی براساس جنسیت، یکی از مواردی است که اسلام آن را پذیرفته است. در روایتی آمده است:

علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در مورد تقسیم وظایف خانه میان خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست داوری کردند. پس رسول خدا وظایف داخل خانه را به فاطمه و وظایف خارج خانه را به علی واگذار کرد.^۲

روایاتی نیز بیانگر این امر است؛ از جمله:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به پسرانتان، شنا و تیراندازی یاد دهید و به دختر، ریسندگی.^۳

۱. در روایتی آمده ابراهیم نبی علیه السلام از خداوند دختری طلب کرد تا پس از مرگ بروی بگیرد و عزایش را گرم نگه دارد. (حرعاملی، همان، ج ۲۰، ص ۳۶۱)

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۸۹ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۲۳.

۳. قصری، شعب الایمان، ج ۶، ص ۴۰۱.



تفاوت در فضایل اخلاقی

از آن جا که زن و مرد در جامعه، دارای موقعیت های متفاوت همسری یا مادری و پدری هستند، نقش ها و وظایفی بر اساس آن موقعیت ها بر عهده دارند. بنابراین روایات، زن و مرد با توجه به موقعیت شان، در اتصاف به برخی از صفت های اخلاقی متفاوت هستند؛ یعنی بهتر است زن خود را به برخی از صفت های اخلاقی آراسته کند و مرد نیز به برخی دیگر. در روایت جالبی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است:

«خَيْرُ خِصَالِ النِّسَاءِ شَرُّهُنَّ خِصَالُ الرِّجَالِ الرَّهْوُ وَالْجُبْنُ وَالْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَّةً لَمْ تُمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا وَإِذَا كَانَتْ بِخَيْلَةٍ حَفِظَتْ مَالَهَا وَمَالَ بَعْلِهَا وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرَقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرُضُ لَهَا»^۱

برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت ترین اخلاق مردان است، مانند، تکبر و به خود بالیدن، ترس و بخل. هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه ندهد، و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را نگهبان است، و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند، فاصله می گیرد.

یا در روایت دیگری باز حضرت فرمود:

«خَيْرُ خِصَالِ الرِّجَالِ شَرُّ خِصَالِ النِّسَاءِ، كَالشُّجَاعَةِ وَالكَرَمِ، فَإِنَّهُمَا مِنْ خَيْرِ خِصَالِ الرِّجَالِ وَهُمَا فِي النِّسَاءِ شَرٌّ»^۲

بهترین اخلاق مردان مانند شجاعت و بخشندگی، بدترین اخلاق زنان است.

باید گفت در روایت اول خود بزرگ بینی، ترس و بخل، به طور کلی هم برای زن و هم مرد پسندیده نیستند. این سه ویژگی از ذرایل اخلاقی به شمار می روند. زنی که در ارتباط با زنان و مردان دیگر دارای خود بزرگ بینی باشد و

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴.

۲. نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۷۰.



آنان را کوچک بشمرد، کار زشتی انجام داده و سزاوار سرزنش است یا اگر زنی ترسو باشد، ترس وی مانع امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از خود و حضور در صحنه‌های اجتماعی می‌شود. همه، زنان شجاع را که با صراحت، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، می‌ستایند و بخشندگی زنان را ستایش و تحسین می‌کنند.

پس مقصود از روایت این نیست که سه ویژگی ناپسند مذکور را برای زنان پسندیده بداند، بلکه منظور روایت، مربوط به نمودهای پسندیده این سه خُلق در موارد مشخص است.

غرور و تکبر از صفات زشت اخلاقی است. انسان متکبر خود را از دیگران برتر و والاتر و دیگران را پست می‌شمارد؛ از هم‌نشینی با آنان اجتناب می‌ورزد؛ آن‌ها را کسر شأن خود می‌پندارد. اگر ناچار از هم‌نشینی باشد، تکبر و غرور در رفتارش آشکار است و نفرت هم‌نشینان از وی را در پی دارد؛ اما رفتار متکبرانه و مغرورانه زنی در برابر مردان نامحرم، نه تنها ناپسند نیست، بلکه بسیار بجا و پسندیده است. رفتار غرورمندانه و متکبرانه زن با مرد نامحرم، بین آن دو حریم ایجاد می‌کند. نه خود به نامحرم متمایل می‌شود و نه به نامحرم اجازه می‌دهد درباره او خیال بد و فسادانگیز کند. خود بزرگ‌بینی زن در ارتباط با هر کس و ناکسی، از صفات خوب و پسندیده‌ای است که موجب می‌شود در فعالیت‌های اجتماعی و درگیری‌های شغلی با مردان، حیثیت، عفاف، وقار و هیبت خود را حفظ کند.

درباره بخیل بودن زن نیز باید گفت که زن هم مالک دارایی‌های شخصی خود است و هم تا حدی اموال شوهر، از قبیل هزینه زندگی یا چیزهای دیگر در اختیار اوست. زنی اگر بخیل باشد، این صفت ناپسند او را از دادن



حقوق واجب مالی که به اموال خودش تعلق می‌گیرد یا از بخشش اموالش به نیازمندان در حد متعادل باز می‌دارد یا اگر در ارتباط با اموال شوهرش دست و دل باز باشد، علاوه بر تصرف نابجا، مخارج زندگی را با اسراف و ریخت‌وپاش هزینه کرده و آن‌ها را هدر می‌دهد؛ ولی اگر نسبت به خرج کردن اموال شوهرش بُخل داشته باشد، هم در خانه از ریخت‌وپاش بی‌مورد خودداری می‌ورزد و هم با انفاق‌های بی‌جا، خود و خانواده را به زحمت نمی‌اندازد. علاوه بر آن، با صرفه‌جویی می‌تواند در اندوختن مخارج اضافی کمک‌کار شوهر باشد.

مرحوم مغنیه می‌نویسد:

بخل زنانه، کرم و سخاوت او نسبت به شوهر و فرزندانش است. استاد ما - که خداوند خشنودش سازد و خاکش را عطر آگین کند. می‌گفت: زن فقیر بی‌چیز می‌تواند شوهرش را با دارایی خود یاری کند. به او گفتیم: ای استاد! چگونه فاقد چیزی، دهنده آن خواهد بود؟ فرمود: صبوری می‌کند و با فزون‌خواهی براو سخت نمی‌گیرد و کم را حفظ می‌کند و سرسختانه آن را نگه می‌دارد.^۱

در مقابل، صفت بُخل و خساست برای مرد ناپسند شمرده شده است؛ زیرا مرد بخیل، از دادن خرجی روزمره زندگی خودداری و نسبت به همسر و فرزندان خود تنگ‌دستی می‌کند و آن‌ها را در محرومیت قرار می‌دهد. به علاوه، خساست موجب می‌شود که وی از پرداخت حقوق واجب (مثل خمس و زکات) و مستحب مالی (مثل صدقه و انفاق) سرباز زند.

ویژگی ترس برای زن در مواردی که به بی‌آبرویی او بینجامد، پسندیده است. علامه جعفری در این باره می‌گوید:

و اگر ترسو باشد، از هر چیزی که حالت تعرض به او داشته باشد،

۱. اسلامی، اخلاق و جنسیت در حدیث «خصال النساء»، نقل از مغنیه، فی ظلال نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۹۳-۲۹۴.



وحشت می‌کند.^۱

از آن رو که زن باید از بی‌آبرویی بترسد و به هر مکانی بدون اطلاع از امنیت آن وارد نشود.

وظیفه دفاع از خانه و خانواده در مقابل هجوم دشمنان بر عهده مرد نهاده شده و به همین جهت، در فقه اسلام، جهاد بر زنان واجب نیست. اگر مرد ترسو باشد، از دشمن فرار می‌کند و خانواده را بی‌پناه می‌گذارد؛ ولی اگر شجاع باشد، با دشمنان نبرد می‌کند و اجازه نمی‌دهد دشمن به خانواده، مال، ناموس و وطنش تجاوز کند.

نتیجه آن که سه صفت تکبر، بخل و ترس در موارد خاصی برای زن پسندیده است و برای مرد ناپسند. در مقابل، دو صفت شجاعت و کریم و بخشنده بودن برای مرد سزاوار است و اگر مردی شجاع یا کریم نباشد، نمی‌تواند خانواده موفق‌تری داشته باشد.

۱. جعفری، ترجمه نهج البلاغه، ص ۱۱۲۱.



تفاوت در کلی نگری و جزئی نگری^۱

مردها کلی نگر هستند و زن ها جزئی نگر. به این معنا که معمولاً مردان در زندگی روزمره به ریزه کاری ها و جزئیات کاری ندارند یا متوجه آن ها نیستند. برای مثال، احتمال دارد زنی شوهرش را به بی توجهی متهم کند و بگوید چرا نسبت به من بی توجه هستی و آرایش کردن یا لباس نو پوشیدن مرا ندیدی؟ بعضی وقت ها نیز زنی مبالغه کرده و می گوید تمام مردها مثل هم هستند و نسبت به همسرشان بی توجه اند؛ در حالی که این گونه نیست و این رفتارها ناشی از کلی نگری مردان است و انتظار رفتار جزئی نگر از مرد چندان درست نیست.

اگر مردی به صورت طبیعی به جزئیات بسیار توجه کند، یا زنی به صورت طبیعی جزئیات را نبیند و کلی نگر باشد، دچار اختلال هستند؛ زیرا برخلاف ویژگی خود رفتار می نمایند.

به طور طبیعی مادر، می تواند مربی خوبی باشد؛ چون جزئی نگر است. در قرآن کریم آمده است:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۲

مردان سرپرست و نگهدار زنانند.

چون شخص کلی نگر مدیر خوبی می تواند باشد، نه جزئی نگر. اگر مدیر جزئی نگر باشد، از کلیات امر غافل می شود. گاهی اختلاف عروس و مادر شوهر، از این امر ناشی می شود که دو موجود جزئی نگر حساس به هم، کنار یکدیگر قرار گرفته اند؛ مثلاً عروس می گوید چرا سر سفره ناهار، مادر شوهر به

۱. بعضی از دلایلی که در پاروقی صفحه بعد، درباره تفاوت در کم حرفی و پُر حرفی آمده، تفاوت در کلی نگری و جزئی نگری را نیز شامل می شود.

۲. سوره نساء، آیه ۳۴.



جاری من سه بار گفت بفرمایید و به من دوبار گفت؟ چرا بین عروس‌هایش فرق گذاشت؟ اگر مردها نیز این‌گونه بودند، دنیا به هم می‌ریخت. حتی در گفت‌وگویی که خانم‌ها با آقایان دارند، باید دقت کنند که از گفته‌های شوهرانشان برداشت‌های متفاوت نکنند؛ چون منظور مردها فقط همان چیزی است که می‌گویند. برای مثال اگر آقا وارد خانه شد و به همسرش گفت: خانم! چرا خانه به هم ریخته است؟ منظورش این نیست که شما تنبل و بی‌نظم هستی؛ یا این‌که چرا از صبح تا ظهر خوابیده‌ای؟ بلکه منظورش این است که خانه نباید به هم ریخته باشد.

پس مرد با آگاهی از جزئی‌نگری زن، می‌تواند تا حدودی با دقت و توجه کردن به جزئیات زندگی، از دل‌خوری و سرخورده بودن همسرش جلوگیری نماید. زن نیز با دانستن ویژگی کلی‌نگری مرد، می‌تواند سطح توقع خود را از شوهرش پایین آورده و بی‌دقتی‌هایش را بر او خرده نگیرد.



تفاوت در کم حرفی و پر حرفی^۱

۱. ادعا در تفاوت زن و مرد را که «زنان پر حرف و مردان کم حرف یا زنان جزئی نگر و مردان کلی نگر هستند»، نمی توان از آیات و روایات اثبات کرد؛ ولی می توان تأییداتی را برای آن ذکر کرد:

نخست این که گرچه ادعای فوق را نمی توان به آیه یا روایتی استناد داد؛ ولی پر حرف بودن یا جزئی نگر بودن زن، تعارضی با آیات و روایات هم ندارد. وجود چنین تفاوتی، بیانگر نقص در زن یا مرد نیست، بلکه شاید به ظرفیت های وجودی آن دو (فیزیولوژی، عواطف، روان یا مسائل فرهنگی اجتماعی) بستگی داشته باشد که بتوانند وجود یکدیگر را کامل کنند.

دوم این که همه ما در تجربه زندگی روزمره شاهد این مسأله هستیم که زنان تمایل بیشتری برای برقراری ارتباط کلامی دارند تا مردان. هم چنین آنان به سبب این که به جزئیات بیشتر توجه دارند، حرف زیادی برای گفتن دارند تا مردان.

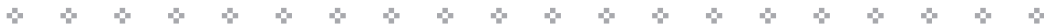
سوم آن که بعضی از پژوهش ها و یافته های روان شناختی نیز به آن دلالت دارند. جینالمبروزر در کتاب «روح زن» می گوید: گفتگو و تبادل نظر برای پسران، وسیله ای برای انتقال پیام است؛ اما برای دختران، بیشتر ابزاری برای ارتباط عاطفی و همدلی است. (جینالمبروزر، روح زن، ترجمه پری حسام شه رئیس، ص ۱۸)

دختران با استفاده از توانایی های کلامی خود، بیشتر به بازی هایی روی می آورند که بتوانند مهارت های کلامی خود را در آن به کار گیرند و پسران به حادثه جویی و بازی های پرتحرک علاقه نشان می دهند. به طور کلی، دختران در رشد زبان، یک یا دو ماه از پسران جلوترند. مغز زنان طوری سازمان یافته که بتواند به طور مؤثرتر احساسات خود را ابراز کند. مرد باید نخست درباره احساساتش فکر کند و آن گاه سخن بگوید، در حالی که زن می تواند هم زمان حس کند، ببیند و حرف بزند. (محمدحسین قدیری، تفاوت زن و مرد، کتاب فصلنامه زنان، شماره ۳، ۱۳۸۵، به نقل از یافته های پژوهشگران)

خانم دکتر دادستان در کتاب «اختلال های زبانی» پس از نقل یافته های پژوهشی در زمینه تفاوت های زبان شناختی بر حسب جنس، می نویسد: تعداد تحقیقاتی که به بررسی تفاوت های دختران و پسران سنین آموزشگاهی در قلمرو ظرفیت های زبان شناختی پرداخته اند، بی شمار است. در بیشتر مواقع، با استفاده از آزمون های زبان ...، مؤلفان به مقایسه کارآمدی کلامی دختران و پسران پرداخته اند.

مک کویی و جکلین با مروری بر تحقیقات مختلف نشان داده اند که تعداد پژوهش هایی که به هیچ گونه تفاوتی دست نیافته اند، به اندازه پژوهش هایی است که برتری زبان شناختی دختران را برجسته ساخته اند. اما تحقیقاتی که نشان دهنده برتری پسران باشند، بسیار اندکند. ... شاید بتوان خاطر نشان ساخت «آن چه از مجموعه تحقیقات استنباط می شود، این است که وقتی تفاوتی بین میانگین [تفاوت زبان شناختی بر حسب دختر و پسر] وجود دارد، در بیشتر مواقع، نشان دهنده برتری دختران است». (پریخ دادستان، اختلال های زبان، ص ۳۴-۳۵)

هم چنین دکتر شکوه نوابی نژاد نیز فعالیت های کلاسی را که بنابر تحقیق به فعالیت های مغزی بر می گردد. یکی از شاخص ترین تفاوت در زمینه تفاوت جنسی می داند و می نویسد: «دختران نخستین کلمه خود را در ۱۱/۴ ماهگی و پسر بچه ها در ۱۲ ماهگی ادا می کنند. تلفظ آن ها روشن تر و واضح تر و قابل فهم تر است. دختر بچه ها در سنین ۵ تا ۱۱ سالگی، نسبت به پسران هم سن و سال خود، زودتر نام رنگ ها، اشیاء، حروف، اعداد و حیوانات را یاد می گیرند؛ به علاوه، تفاوت های میان دو جنس در سنین ۹ تا ۱۲ سالگی افزایش می یابد و دختران در توانایی نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن عملکرد بهتری از خود نشان می دهند و به طور کلی در مقایسه با پسران، پر حرف تر، ولی دقیق تر و در درک مطلب عمیق تر هستند. (نوابی نژاد، روان شناسی زن، ص ۸۷)



آقایان کم حرف و خانم‌ها پر حرف هستند. به دلیل این‌که خانم‌ها جزئی‌نگر و آقایان کلی‌نگر هستند. البته پر حرفی خانم‌ها، عیب و نقص آن‌ها به شمار نمی‌رود. وقتی فردی به جزئیات توجه می‌کند، حرف برای گفتن زیاد دارد، اما وقتی فقط کلیات را ببیند، حرف چندانی برای گفتن ندارد. برای مثال، آقایی برای معالجه سرماخوردگی به دکتر رفته و بعد به خانه برمی‌گردد.

خانم می‌پرسد: چه خبر؟

آقای می‌گوید: سرما خورده بودم و به دکتر رفتم.

.خب، دکتر چی گفت؟

.گفت سرما خورده‌ام و دارو داد.

.دکتر دیگه چی گفت؟

این جا آقا حوصله‌اش سررفته و می‌گوید: وای! چقدر سؤال می‌کنی؟ یک دکتر رفتن که این قدر سؤال ندارد.

این جا مرد واقعاً دیگر حرفی برای گفتن ندارد؛ چون به کلیات توجه داشته است. اما وقتی خانم به دکتر می‌رود، تا می‌نشیند به اطراف نگاه می‌کند، می‌بیند خانم دیگری آن جا نشسته است. می‌گوید: سلام، شما برای چه آمده‌اید؟ مریضی شما چیست؟ آن‌گاه شروع می‌کند به برقرار کردن ارتباط کلامی.

عجیب آن است که دریافت‌های دیگری از محیط نیز دارد؛ مثلاً منشی را

بر اساس مطالعات مستقل و گوناگون که هم به وسیله زنان و هم مردان صورت می‌گیرد، کاملاً معلوم شده است که به طور کلی، مهارت‌های ادراکی فضایی و دیداری فضایی مردان تکامل بیشتری یافته، اما زنان فاقد این توانایی‌ها نیستند. بسیاری از زنان در زمینه این قابلیت‌ها و دیگر توانایی‌های مربوط به نیمکره راست مغز، از قبیل تشخیص و بیان جزئیات اجتماعی و هیجانی از میانگین مردان بسیار فراتر می‌رود و اغلب، زنان را بسیار حساس‌تر و زیرک‌تر می‌دانند. (جهانگیری، بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، ص ۴۳۶-۴۳۷)



می بیند که دارد زیاد با تلفن حرف می زند؛ در اتاق انتظار چند کودک هم هستند که بالا و پایین می پرند. چند نفر آقا یا خانم نشسته و همین طور.

خانم تمام این جزئیات را دیده و ضبط کرده است و وقتی هم به خانه بیاید و آقا به او بگوید چه خبر؟ واقعاً حرف برای گفتن زیاد دارد؛ زیرا به تمام جزئیات توجه کرده و همه را از نظر گذرانده است.

آقایان برای تبادل اطلاعات حرف می زنند؛ ولی خانم ها حرف زدن را وسیله ای برای ایجاد صمیمیت، تبادل اطلاعات و حل تعارضات قرار می دهند.

معمولاً خانم ها سه برابر آقایان روزانه حرف می زنند. لذت جویی زن ها نه برابر مردهاست. این لذت جویی تنها به معنای میل جنسی نیست، بلکه از حرف زدن لذت می برند.

یکی از عواملی که موجب اختلاف میان زن و شوهر می شود، این است که زن و مرد به یکدیگر، به ویژه مردان به زنان فرصت کافی برای صحبت کردن نمی دهند. بسیاری از کارشناسان معتقدند هشتاد درصد مشکلات خانم ها فقط با گفتن حل می شود. البته خانم ها باید مواظب باشند که به هر قیمتی حرف نزنند؛ به طوری که با حرف زدن به گناه افتاده، غیبت، تهمت و سخن چینی نکنند.

انس بن مالک می گوید:

روزی رسول خدا ﷺ امر به روزه فرمود و دستور داد کسی بدون اجازه من افطار نکند. مردم روزه گرفتند؛ چون غروب شد، هر روزه داری برای اجازه افطار به محضر آن جناب آمد و آن حضرت اجازه افطار داد. در آن وقت مردی آمد و عرضه داشت: «دو دختر دارم که تا کنون افطار نکرده اند و از آمدن به محضر شما حیا می کنند. اجازه دهید هر دو افطار نمایند.» حضرت جواب نداد.



آن مرد گفته‌اش را تکرار کرد. حضرت پاسخ نگفت. چون بار سوم گفتارش را تکرار کرد، حضرت فرمود: «آن‌ها که روزه نبودند. چگونه روزه بودند در حالی که گوشت مردم را خورده‌اند. به خانه برو و به هردو بگویی (استفراغ) کنند.» آن مرد به خانه رفت و دستورقی کردن داد. آن دوقی کردند، در حالی که از دهان هریک قطعه‌ای خون لخته شده بیرون آمد. مرد با تعجب به محضر رسول خدا ﷺ آمد و داستان را گفت. حضرت فرمود: «به آن کسی که جانم در دست اوست! اگر این گناه غیبت بر آنان باقی مانده بود، اهل آتش بودند!»^۱

خانم‌ها وقتی با همدیگر می‌نشینند، زیاد سؤال می‌کنند. میل به پرسیدن، نشانه علاقه آن‌ها به حرف زدن و برقراری ارتباط با دیگران است؛ زن‌ها با دورهم جمع شدن و صحبت کردن، بسیاری از نگرانی‌ها، استرس‌ها و ناراحتی‌های خود را تعدیل و تخلیه می‌کنند.

تمایل به ارتباطات اجتماعی و حرف زدن در زنان بیشتر از مردان است. به همین دلیل چنان چه درک و آگاهی زن و مرد، نسبت به این خصوصیت ضعیف باشد، مطمئناً آنان را دچار سوء تفاهات جدی در زندگی مشترک خواهد کرد. برخلاف مردان، که حوصله زیادی برای حرف زدن، به ویژه اگر خصوصی باشد، ندارند و ترجیح می‌دهند سکوت کنند. مردان زیاد پرسیدن را گاه به معنای دخالت در زندگی خصوصی دیگران می‌دانند.

نکته دیگر آن است که زنان بیشتر با سخن گفتن و شنیدن، احساسات و عواطفشان را ابراز می‌کنند و مردها با دیدن. زن‌ها دوست دارند که شوهرشان با آن‌ها سخن بگوید تا آرامش یابند و به تعبیری خود را تخلیه کنند و در این صورت است که غم و نگرانی از وجودشان رخت برمی‌بندد؛ اما مردها این‌گونه

۱. انصاریان، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، ج ۱۰.



نیستند. اگر مردی بخواهد خانمش را از نگرانی و اندوه برهاند و از بی تمایلی او به شوهرش بکاهد، باید با او سخن بگوید.
 زنان نمی توانند با سخن گفتن مردان را عاشق خود کنند؛ ولی هنگامی که مرد سخن می گوید، زن عاشقش می شود.^۱

تفاوت در ارتباط کلامی^۲

تفاوت در ارتباط کلامی می تواند با مورد سوم یک جا ذکر گردد؛ ولی به سبب اهمیت آن به صورت جداگانه توضیح داده می شود.

مردها در ارتباطات کلامی فقط به پیام توجه دارند؛ اما زن ها هم به پیام و هم به فرایم توجه می کنند. هنگامی که مردی به همسرش می گوید: چرا خانه به هم ریخته است؟ باید بعد از این پیام، یک فرایم فوری نیز بفرستد و بگوید: فکر کنم امروز بچه ها خیلی شما را اذیت کرده اند که نرسیده ای خانه را مرتب کنی؟ اگر این فرایم فرستاده نشود، خانم این گونه برداشت می کند که او فرد تنبلی است و به سبب تنبلی، منزل را مرتب نکرده است.

هم چنین زن ها باید در ارتباطات کلامی با آقایان، بکوشند پیام را درست بدهند؛ چون معمولاً آن ها در ارتباطات کلامی خود به دلیل عاطفی بودن غلو می کنند؛ مثلاً کودک دیر به خانه می آید. خانم به شوهرش می گوید: فرزندمان دیر کرده است. پدر می گوید: احتمالاً مشغول بازی است؛ ولی خانم ها همیشه بدترین حالت را در نظر می گیرند؛ و پیش خودشان می گویند: نکند ماشین به او زده باشد؟ نکند او را دزدیده باشند؟ نکند اتفاق بدی افتاده باشد؟ یعنی

۱. رک: دی آنجلس، رازهایی درباره زنان، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۲. دلایل تفاوت در پُرحرفی و کم حرفی، تفاوت در ارتباط کلامی را نیز شامل می شود. همچنین رجوع کنید به: ماهنامه شادکامی و موفقیت؛ میر عمادالدین فریور.



دائم بدترین حالت‌ها را در نظر می‌گیرند؛ در حالی که آقایان این‌طور نیستند. بنابراین باید تمرین کنیم و مثبت بیندیشیم و نخست گمان‌های خوب و مثبت را در ذهن پرورش بدهیم.

افکار ما، گفتارمان و رفتارهایمان را می‌سازد. اگر فکرانسان منفی‌باف باشد، ناخودآگاه روی کلامش اثر می‌گذارد، و اگر فکرش مثبت باشد، اثر مثبت دارد. لذا قرآن می‌فرماید: سوءظن نداشته باشید؛ چون سوءظن، یعنی گمان و فکر بد، منجر به کلام و رفتار بد می‌شود.

مردان توجه داشته باشند که نیازهای زنان همیشه مادی نیست و گاه نیاز مبرم زن می‌تواند مسأله ساده گوش دادن همسربه کلام وی باشد. این در حالی است که مردان با سکوت و تنهایی به آرامش می‌رسند، نه با ارتباط کلامی و قادرند با آن، نگرانی‌ها و مشکلات را فراموش کرده یا برای حل آن اقدام کنند. آگاهی به این امر می‌تواند به زن و شوهرها کمک کند تا طوری برنامه‌ریزی کنند که نیاز زن به صحبت کردن با نیاز مرد به سکوت و تنهایی با هم در تقابل قرار نگرفته و هر دو برآورده شوند.

برای این کار بهتر است زنان بعد از آمدن مرد از محل کار، مدتی او را تنها گذاشته و اسباب راحتی او را فراهم سازند تا نیرو و توان لازم را بازیابد و مرد هم نیاز زن به درد و دل و صحبت کردن را درک کرده و بعد از بازیافتن نیروی خود، زمانی را برای صحبت و گفت‌وگو با همسرش اختصاص دهد. زمانی که فرصت گوش دادن به صحبت‌های همسرش را ندارد با پیامی صریح و مؤدبانه و مهربانانه آن را مطرح سازد: «عزیزم! اجازه بده ده دقیقه اخبار گوش بدهم. بعد از آن در اختیار شما هستم» یا «الآن خیلی خسته‌ام. اجازه می‌دهی کمی استراحت کنم؟ بعد از آن می‌نشینیم و با هم حرف می‌زنیم...»



گاهی عُرز زن، جنبه یادآوری و دلواپسی دارد؛ البته لازم است زنان متوجه باشند که بیش از حد اغراق نکرده و در بازی کلمات ماهرانه عمل کنند؛ مثلاً به جای گفتن «ببین، یادت نره خرید کنی، این چندمین باره که دارم می‌گم ها!»، بگویند: «عزیزم! می‌دونم که سرت خیلی شلوغه، آمدنی خرید یادت نره، می‌دونم که فراموش نمی‌کنی.»

لازم است مردان در ارتباط کلامی، مبهم حرف نزنند، مدام امر نکنند، قدرت خود را به رخ نکنند و در کلام، احساسات زنان را با کنایه مسخره نکنند.

تفاوت در تشریفات‌گرایی^۱

زنان بیشتر تشریفات را دوست دارند و به ریزه‌کاری‌ها زیاد توجه می‌کنند. آنان دوست دارند اگر سفره خورشت دارد، دسر هم داشته باشد یا چیزهای دیگر. البته این مسأله چیزبندی نیست. خداوند انسان را به طور احسن خلق کرده است؛ ولی نکته مهم آن است که باید امیال را کنترل کنیم تا به افراط و اسراف نینجامد.

تفاوت در توجه به ظاهر یا حس زیبایی‌شناختی

آراسته بودن یکی از خصوصیات انسان‌های مؤمن است؛ اما توجه به این نکته ضروری است که از نظر اسلام، آراسته بودن زن و مرد متفاوت است و خدای متعال با توجه به روحیات و تفاوت احساسات در زن و مرد در آراستگی

۱. بیولوژیست‌ها و پژوهشگران، پس از بررسی و تحقیق‌های متعدد، به این نتیجه دست یافته‌اند که رفتارهای ذهنی و فکری زنان و مردان در پاره‌ای از صفت‌های اصلی به صورت ذاتی با هم فرق داشته و تحت تأثیر جنسیت، به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند. بخشی از این تفاوت‌ها عبارتند از: زنان تشریفاتی هستند و مردان کمتر تشریفاتی هستند. (رک: ماهنامه شادکامی و موفقیت؛ میرعمادالدین فریور)



آن‌ها هم تفاوت قائل شده است. برای نمونه پیامبر اکرم ﷺ درباره کوتاه کردن ناخن به مردان توصیه می‌فرماید:

«قَالَ لِلرِّجَالِ قُصُّوا أَظْفَارَكُمْ...»

ناخن‌های خود را کوتاه کنید.

ولی به زنان می‌فرماید:

«وَلِلنِّسَاءِ أُتْرِكْنَ مِنَ الظَّفَائِرِ كُنَّ، فَإِنَّهُ أَرِيْنُ لَكُنَّ.»^۱

برای زنان است که برخی از ناخن‌هایشان را بلند نگه دارید؛ چون برای شما زینت است.

استفاده از بوی خوش و عطریات برای مردان در بیرون از منزل مستحب است؛ اما برای زنان جایز نیست خود را در بیرون از خانه معطر کنند. پوشیدن لباس‌های خوش‌رنگ در منزل برای زنان مستحب است و ثواب زیادی هم دارد؛ اما بیرون از منزل به دلیل جلب توجه درست نیست. آراستگی زن در بیرون از منزل، حجاب و وقار و عفت است.

موارد دیگری نیز در روایات آمده که نشانگر تفاوت زن و مرد در آراستگی است؛ یعنی زن و مرد وظیفه دارند خود را برای همدیگر آراسته کنند؛ با این تفاوت که نوع آراستگی زن با مرد فرق می‌کند.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

اگر زن، خود را برای شوهرش نمی‌ساخت، بی‌گمان در دل او جانی گرفت.^۲

به نقل از ذروان مدائنی آمده است: نزد امام رضا ﷺ رفتم. دیدم که ایشان خضاب کرده است.

گفتم: فدایت شوم! خضاب کرده‌اید؟ فرمود: بله. خضاب کردن پاداش دارد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰.

۲. نثر الدر، ج ۱، ص ۲۴۲.

آیا نمی‌دانی که سرو وضع مرتب داشتن، برپاک‌دامنی زنان می‌افزاید؟ آیا تو دوست داری که وقتی با سرو وضع نامرتب، نزد همسرت می‌روی، او را نیز مانند خودت ببینی؟ گفتم: نه. فرمود: او نیز همین‌طور.^۱

مردها بیش از زن‌ها تحت تأثیر جذابیت‌های جسمی و آراستگی زن قرار می‌گیرند. زنان گرایش بیشتری به حفظ ظاهر دارند. معمولاً مایلند میزکاری‌شان تمیز بوده و کنار یا روی آن، یک گل نیز باشد.

زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش و مدهای مختلف علاقه زیاد دارد، برخلاف مرد.^۲

خانم‌ها و بخصوص دختر خانم‌ها وقتی می‌خواهند جایی بروند، دیر می‌جنبند و آقایان از این لحاظ همواره اعتراض می‌کنند؛ در حالی که خانم‌ها چون به ظاهرشان توجه زیادی دارند، برای آماده شدن وقت زیادی صرف می‌کنند. دیده شدن و خوب به نظر رسیدن برای آن‌ها مهم است؛ ولی مردها هدف‌گرا هستند و اغلب به جایی که می‌خواهند بروند، می‌اندیشند و زود آماده می‌شوند؛ هر چند به ظاهر خود نیز برسند.

حالا زن و مرد که زیر یک سقف جمع شده‌اند، طبیعی است که همدیگر را نتوانند درک کنند. باید آن دو نگاه‌های یکدیگر را متوجه شده و از این جهت همدیگر را درک کنند. پس لازم است مرد، با اندکی حوصله فرصتی برای آماده شدن به خانم بدهد و خانم نیز، آقا را زیاد معطل نکند یا پیش از آن‌که شوهرش آماده شود، خود را برای رفتن مهیا سازد.

به دلیل این‌که زن برای زیبایی اهمیت زیادی می‌دهد، لازم است مرد هنگام ورود به منزل، به همسرش که خود را برای شوهرش آراسته، توجه کند و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۰.

۲. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۶.

از زیبایی او تعریف کند و از تغییراتی که در ظاهر او روی داده، ابراز خشنودی نماید. اگر از تغییرات ظاهری همسرش خوشش نیامد، از بدگویی و خدشه‌دار کردن حسن زیبایی او اجتناب ورزد؛ چرا که این کار نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه روحیه حساس زن را جریحه‌دار می‌کند. البته بعدها می‌تواند به نوعی، آراستگی و زیبایی دلخواهش را به همسرش منتقل کند یا امکانات لازم را برای او فراهم آورد.

تفاوت در طرز استفاده از حواس

مردها در استفاده از حواس، خود تونلی هستند و زن‌ها ماهواره‌ای. ماهواره از همه جا دریافت می‌کند؛ اما وقتی در تونل قرار می‌گیرید، نمی‌توانید به چپ و راست بروید و باید مستقیم حرکت کنید؛ مثلاً مرد در حال دیدن تلویزیون است. حواس او تنها متوجه برنامه تلویزیونی است و به چیز دیگری توجه ندارد. در این هنگام، اگر زن با شوهرش سخن بگوید، مرد زیاد توجه ندارد. زن باید بداند که نشنیدن به معنای بی‌توجهی نیست، بلکه واقعاً نشنیده است؛ ولی هنگامی که زن تلویزیون می‌بیند، علاوه بر برنامه تلویزیونی، حواسش به چیزهای اطراف خود نیز هست. زن‌ها هم‌زمان از بیش از سه حواس، در سه جهت می‌توانند استفاده کنند؛ یعنی توانایی این کار را دارند. دامنه حواس زن‌ها وسیع است. آقایان حواس تونلی دارند؛ یعنی روی دو چیز هم‌زمان نمی‌توانند متمرکز شوند؛ پس به راحتی همدیگر را متهم به این نکنیم که تونست به من بی‌توجه هستی. در صورت عدم درک این تفاوت، ارتباط‌ها به اختلافات می‌انجامد؛ چون زن فکر می‌کند که مرد باید مثل او باشد و مرد نیز همین‌طور.



تفاوت در عواطف و احساسات

مهم‌ترین تفاوت زن و مرد، در احساسات و عواطف آن‌ها است. هر دو دارای احساسات و عواطف هستند؛ ولی محور اصلی روحیات زنان، عاطفه و احساسات است و این جهت در آنان به شدت نیرومند بوده و در بسیاری از رفتارهای او تأثیر دارد.

برخورداری از این ویژگی درونی، لطافت روح و افزایش رقت قلب زن را در پی دارد و این ویژگی، آنان را در تربیت فرزند بسیار موفق می‌گرداند.

مردان بیشتر از عقل و قدرت تفکر خود بهره می‌گیرند و در واقع احساسات را تحت تدبیر عقل درمی‌آورند. توأمان بودن احساسات و عقل و تفکر و نیرومندی و توانایی در اداره خانواده مهم هستند و در صورت نبود یکی از این دو، خانواده احتمال آسیب دیدگی اش بیشتر می‌شود.

زن، تحمل قهر و بی‌توجهی شوهر را ندارد و لازم است مرد محبت بیشتری به همسر خود ابراز نماید.

زن‌ها باید به این نکته آگاه باشند که مردان، به دلیل ضعیف‌تر بودن احساسات و عواطف در آنان، به شدت نیازمند روح لطیف و احساسات قوی آنان هستند.

هر مردی خواهان همسری مهربان و دوست‌داشتنی است.^۱

شهید مطهری بیان خوبی در این جا دارند و می‌نویسند:

آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است. احساسات مرد نیازآمیز و احساسات زن نازخیز است. احساسات

مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است.^۲

مرد باید از نظر عاطفی محکم‌تر باشد و خانم‌ها به جهت این‌که تربیت

۱. حیدری، ویژگی‌ها و تفاوت‌ها و نیازهای عاطفی زنان و مردان، ص ۱۶-۱۷.

۲. مطهری، همان، ص ۱۷۲.



کننده انسان هستند، باید عاطفی تر باشند. به همین دلیل، خانم‌ها زود دعوا و سریع هم عذرخواهی می‌کنند. خانم‌ها نمی‌توانند عواطفِ سخت خود را مدیریت کنند و زود عاطفی می‌شوند؛ برای همین، دین اسلام حکم قضاوت را به عهده خانم‌ها نگذاشته است. خیلی مواقع رحمت بی‌جا انسان را بیچاره می‌کند. اگر گل هفته‌ای یک بار آب بخواند و شما هر روز آب بدهید، پلاسیده شده و از بین می‌رود.

بنابر فطرت، آستانه تحریک زنان زیاد بوده و زودرنج هستند. ممکن است به مردی حرف‌های نامربوط زیادی بزنند، ولی به دل‌نگیرد؛ اما اگر به خانم از گل نازک‌تر بگویند، زود ناراحت می‌شود.

گاهی حرف ناپسند مردی، باعث می‌شود زن تا مدت‌ها دید منفی نسبت به او پیدا کند و احساس منفی در زن، او را از کار و تلاش مطلوب باز می‌دارد. وقتی تعدادی از این نکات منفی روی هم جمع گردد، از احساس لذت در زندگی می‌کاهد.



تفاوت در رفتارهای جنسی

بی تردید گزینه جنسی از گزینه های مهم و سرنوشت ساز در مسیر ارتباطی زن و مرد است و پاسخ درست به آن، بسیاری از مشکلات خانوادگی را برطرف می سازد. اما چگونه باید به این گزینه پاسخ درست داد؟ بحث های گوناگونی می توان در این زمینه مطرح کرد و البته کتاب های زیادی نیز نوشته شده است که برای اطلاع بیشتر باید به آنها مراجعه کرد. آن چه بیش از هر چیزی در ارتباط زناشویی موفق و سالم اهمیت دارد، آگاهی به تفاوت های رفتاری زن و مرد در ارتباط جنسی است. رفتارهای جنسی زن با مرد فرق می کند و هر کدام به گونه دیگری واکنش نشان می دهند.

زن و مرد باید با رفتارهای جنسی هم آشنا باشند، تا بتوانند واکنش مناسبی بروز دهند، و گرنه رابطه جنسی و عاطفی آنها دچار اختلال و مشکل می شود. بدین منظور توجه به نکته های کاربردی زیر در این جهت مفید است.

الف) نوع بروز برقراری رابطه جنسی مرد به گونه دیگری از زن است. از آن جایی که مرد مظهر طلب، عشق و نیاز و زن مظهر محبوبیت و معشوقیت است، احساس مرد، خواستن و احساس زن، خواسته شدن است.

احساس خواستن مرد در رابطه جنسی، مستقیم و آشکار و توأم با بیان آن است؛ در حالی که احساس محبوبیت زن، محبت و نوازش کردن، همراه با آرایش، پوشیدن لباس های جذاب و بیان های محبت آمیز خاص او است.

بنابراین زنان نیاز به مقاربت را صریح به زبان نمی آورند یا معمولاً آغاز کننده رابطه نیستند و این مرد است که باید با کلمات و رفتارهای محبت آمیز و نوازشگرانه رابطه جنسی را آغاز کرده و زن را با خود همراه و در واقع، نیاز خود را مطرح کند.



پیامبر خدا ﷺ فرمود:

هرگاه مرد، همسرش را برای نیازش فراخواند، زن باید نزد او برود، اگرچه سرتنور [مشغول پختن نان] باشد.^۱

این روایت و روایت‌های دیگری بیان می‌کنند که اول مرد باید درخواست کند؛ چرا که او مظهر نیاز است و در ادامه زن به او پاسخ مثبت دهد. هم‌چنین اگر زن به میزان لازم، محبت از شوهر دریافت نکند، نمی‌تواند ارتباط جنسی خوبی با شوهر برقرار کند.

زنان همیشه نیازمند آن هستند که قبل از هر نوع ارتباط جنسی با شوهرشان احساس یگانگی کنند و از او توجه و محبت بدون قید و شرط بگیرند... زنان دائماً تشنه دریافت و ابراز محبت هستند و باید بتوانند این نیاز را از همسرشان دریافت کنند.^۲

اما ضروری است خانم نیز بداند برای آن‌که مرد از لحاظ احساسی و عاطفی و موفقیت در رابطه دو طرفه خود را وقف او بکند، باید نیازهای جسمی او برآورده شود. مرد در صورتی که ارتباط جنسی کافی نداشته باشد، نمی‌تواند به زنش محبت کند. نتیجه آنکه، ارتباط جنسی یک رابطه دو طرفه است و هر کدام از زن و شوهر باید بکوشند به نیاز طرف مقابل خود پاسخ مناسبی بدهند تا رضایت حاصل شود. البته ابراز محبت، نباید از طرف شوهر به زمان رابطه جنسی محدود شود؛ زیرا این عمل به احساس نارضایتی از شوهر می‌انجامد. به محض تمام شدن رابطه جنسی، زن فکرمی‌کند که شوهرش او را تنها به خاطر رابطه جنسی دوست می‌دارد. زنان دوست دارند ابراز محبت شوهرشان بدون قید و شرط انجام بگیرد.

۱. علی‌المتقی، کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۳۵.

۲. هارلی، نیازهای مردان و نیازهای زنان، ص ۵۱.

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که فرمود:

سه چیز از جفاست: یکی این که کسی با دیگری همراه شود و اسم و رسم او را نپرسد؛ دیگری این که به طعامی دعوت شود، پاسخ مثبت نگوید یا اگر پاسخ مثبت دهد، از غذا نخورد؛ سوم این که پیش از آماده‌سازی از طریق سخنان پرجاذبه، با همسرش آمیزش کند.^۱

ب) روحیه زن عاطفی است. پیش از رابطه نزدیکی باید فضای عاطفی ایجاد و از تشنج، خشونت و بحث و مشاجره جلوگیری کرد؛ چرا که در این صورت، زن تمایلی برای برقراری ارتباط ندارد؛ زیرا ارتباط جنسی، یک رابطه به شدت عاطفی است. حتی هنگام نزدیکی نیز اعمال خشونت، این رابطه را مختل می‌کند و هیچ کدام نمی‌توانند به اهداف خود از رابطه برسند.

ج) زنان برای برقراری ارتباط جنسی به شدت دنبال محیط امن و آرامش بخش هستند؛ محیطی (اتاقی) که کسی نتواند به آن وارد شود، یا صدایشان شنیده شود یا هر چیزی که امنیت اتاق خواب را برهم زند.

مردان لازم است برای ایجاد فضای امن بکوشند و خاطر همسر را از این لحاظ فراهم آورند؛ به گونه‌ای که امکان وارد شدن کسی به اتاق نباشد یا سروصدایی بیرون نرود.

البته مرد و زن، هر دو باید نسبت به پنهانی و امن بودن مکان برقراری ارتباط حساس باشند؛ ولی این حساسیت در زنان بیشتر است.

قرآن به والدین هشدار و آموزش می‌دهد که به فرزندان یاد دهند در سه وعده از شبانه‌روز، هنگام ورود به اتاقشان، از آنان اجازه بگیرند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنان که مالکشان هستید و کسانی از شما که به حد احتلام

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۳۱.

نرسیده‌اند، باید از شما در سه وقت اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر و هنگام نیمروز که جامه‌های خود را درمی‌آورید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت خلوت شماست. پس از این سه وقت بر شما و ایشان باکی نیست که برگرد شما بگردند یا بعضی از شما برگرد بعضی دیگر بگردد. بدین‌گونه خداوند برای شما آیات را بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است و چون اطفال شما به بلوغ رسیدند، باید اجازه بگیرند؛ چنان‌که کسانی که قبل از ایشان بودند برای ورود اجازه می‌گرفتند!

(د) برای مرد بسیار مهم است که همسرش نسبت به رابطه جنسی واکنش نشان دهد و در این رابطه دو طرفه، شریک باشد. مشارکت در برقراری رابطه، هم مرد را به اوج لذت و رضایت می‌رساند و هم زن را. بیان حرف‌های محبت‌آمیز و تحریک‌کننده، نوازش و لمس کردن نوعی مشارکت است. عدم مشارکت، به نوعی عدم تمایل را می‌رساند.

تفاوت در نفوذپذیری

از آن جایی که مردان از لحاظ جسمی درشت اندام تر و خشن ترند؛ شجاعت و دلیری دارند؛ از قدرت تفکر و نیروی بدنی قوی برخوردارند و می خواهند شخص زن را تصاحب کنند، تمایل به نفوذ و رهبری دارند. برعکس، زنان می خواهند دل مرد را تسخیر کنند و برای همین، از درون قلب او وارد می شوند. زن از مرد شجاعت و دلیری می خواهد. زنان دوست دارند همواره در کنار مرد مورد علاقه شان باشند؛ بنابراین راحت تر نام خانوادگی، دین و ملیت شوهر را می پذیرند. پس زنان نفوذپذیرتر از مردان هستند و این مسأله طبیعت آفرینش آن دو است. نباید با اصولی که زندگی را به هدف حقیقی می رساند، رفتار نادرستی کرد. فطرت زن این گونه است و فواید فراوانی در آن وجود دارد. این که زنی حرف مرد را بپذیرد، به این معنا نیست که آن زن، زن عصر حجری است و به اصطلاح اُمّی است. از آن سو، اگر مردی در برابر خواسته های زنش قدری مقاومت کند و خیلی زود خواسته های وی را نپذیرد، دلیل بر آن نیست که مرد سالار است. زنان، مردان متفکر، مقتدر و مدبر را ترجیح می دهند.

شهید مطهری به نقل از مجله "زن روز" از خانم کلیود السون روان شناس چنین می آورد:

تمام زن ها علاقه مندند که تحت نظر شخص دیگری کار کنند و به طور خلاصه از مرئوس بودن و تحت نظر رئیس کار کردن بیشتر خوششان می آید.



تفاوت در تحمل رنج

زنان تحمل بیشتری در برابر رنج‌های جسمانی دارند؛ ولی تحمل رنج روحی برای آن‌ها بسیار سخت است. مادری نه ماه دوران بارداری را تحمل می‌کند و علاوه بر آن، عشق هم می‌ورزد و خدا را نیز شکر می‌کند؛ ولی در کوچک‌ترین مسائل عاطفی به هم می‌ریزد. در مورد مرد، قضیه برعکس است. بنابراین برای مردان لازم است که بکوشند با همسرانشان به ملاحظت و مهر رفتار کنند و آنان را آزار نرسانند. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است:

زنان در خانه مردان، اختیار هیچ سود و زیبایی را برای خود ندارند. آنان امانت خدا در نزد شما هستند؛ بنابراین به آنان گزند نزنید و با ایشان بد رفتاری نکنید.^۱

تفاوت در علاقه‌ها و سلیقه‌ها

هر انسانی دارای روحیات و طبع خاصی است و به سبب تفاوت‌های فردی، معمولاً با دیگری در بعضی چیزها، تفاوت و اختلاف سلیقه و علاقه پیدا می‌کند. جایی که بین دو قولوهای همسان که در ظاهر بسیار به هم شبیه هستند؛ ولی در رفتار و احساس و اندیشه‌شان تفاوت وجود دارد، چگونه می‌توان انتظار داشت بین زن و شوهری که دارای صفات ارثی متفاوت بوده و با فرهنگ و آداب متفاوتی رشد یافته‌اند، اختلاف سلیقه وجود نداشته باشد. این تفاوت‌ها طبیعی است و مهم آن است که چگونه با آن برخورد کنیم. وقتی حوادث روزنامه‌ها و مجله‌ها را می‌خوانید یا در برخی از سایت‌های اینترنتی به جستجویی پردازید، گاهی اخبار آن‌ها ناراحت‌کننده است؛ مثل این خبر: «اختلاف سلیقه در انتخاب شام، زن و شوهر را به دادگاه کشاند!»

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

به خاطر این که شام املت بخوریم یا کوکوسبزی، دعوایمان شد؛ چون که همسرم فکر می کند حرف باید حرف خودش باشد وگرنه اعصاب خردی راه می اندازد.

این بخشی از اظهارات زنی است که در سالن انتظار دادگاه خانواده در کنار شوهرش نشسته است تا نوبت پرونده شان برسد و با طلاق توافقی به زندگی مشترکشان پایان دهند! ظاهراً رفتار این زن و شوهر از یک اختلاف ساده شروع شده و سرانجام به لجبازی کشیده است تا آن جا که حاضر نیستند در رفتار خود اندکی تأمل کرده یا خود را مقصر بدانند. آنان تلاش نکرده اند که نخست در رفتار خود تجدید نظر کرده و آن را تغییر دهند. داستان زیر برخلاف اتفاق قبلی است.

این چند سالی که با همسرم زندگی می کنم، او به رنگ زرد علاقه مند است و معمولاً لباس هایش را هم با همان رنگ انتخاب می کند. گاهی با ملایمت به او گفته ام که من از این رنگ خوشم نمی آید و بهتر است لباس با رنگ دیگری بخرد؛ ولی او هم چنان نمی پذیرد و می گوید رنگ زرد، رنگ مورد علاقه من است.

دیگر من این واقعیت را پذیرفته ام که به چیزهای مورد علاقه او زیاد انتقاد وارد نکنم. روحیات او این گونه است که بعضی از آن ها نیز دست او نیست. با خود می گویم: او این همه خوبی دارد، بهتر است این تفاوت سلیقه را به حساب خوبی های او بگذارم و آن را بپذیرم.

وقتی دیگر از این سلیقه او زیاد انتقاد نکردم و به آن احترام گذاشتم، او نیز کم کم موقع خرید لباس، نظر مرا هم در مورد رنگ آن می پرسید.

وقتی دو نفر با ازدواج، تصمیم گرفته اند کنار یکدیگر زندگی کنند، دوست دارند بدون کشمکش و نزاع و همراه با رضایت از زندگی و خشنودی و احترام

متقابل باهم ارتباط داشته باشند و به عبارت دیگر با «تفاهم» به زندگی مشترک خود ادامه بدهند؛ اما باید توجه داشت که تفاهم کامل و این‌که زن و شوهر هیچ تفاوتی در اندیشه، سلیقه، اخلاق و روحیات نداشته باشند، ممکن نیست؛ چراکه هر کدام از کودکی در محیط متفاوتی پرورش یافته‌اند و با خود اخلاق و روحیات و سلیقه‌های مختلفی به زندگی مشترک آورده‌اند. بنابراین مطلوب نیست که انسان‌ها همه یکسان باشند. زندگی با همگونی و یکسانی، ملالت‌آور و کسل‌کننده خواهد بود. تکامل انسان با تفاوت ممکن است و ما وقتی می‌فهمیم که دیگری عیب و نقصی دارد که متفاوت از او باشیم. مگر فراموش کرده‌ایم که یکی از هدف‌های ازدواج، آن است که زوج‌ها یکدیگر را در مسیر رسیدن به کمال یاری کنند.

همان‌طور که در مثال بالا مشاهده کردید، مرد به رنگ زرد علاقه‌ای ندارد؛ ولی همسرش آن را می‌پسندد. او نخست به همسرش تذکر داده، ولی مورد قبول واقع نشده است. بنابراین تصمیم می‌گیرد ضمن این‌که به نظر او احترام بگذارد، در خود تغییری به وجود آورد و بکوشد که نقاط مثبت او را در نظر آورد و این اختلاف سلیقه را فراموش کند. اما همسراو که معلوم می‌شود شوهرش را دوست دارد، همین‌که می‌بیند رفتار شوهرش تغییر کرد و به نظر او احترام گذاشت، او نیز به همین نتیجه می‌رسد و می‌کوشد خود را تغییر داده و تا حدی از این سلیقه‌اش که مورد پسند شوهرش نیست، دست بردارد.

پذیرش همسر همان‌گونه که هست، هنرِ عاقلان و صبوران است. اگر به شخصیت همسرمان احترام گذاشتیم و او را همان‌گونه که هست، پذیرفتیم، راه تکامل و رشد دادن او باز است و فرصت کافی در اختیار است تا به تدریج فاصله‌های موجود را کم و کم ترک کنیم و ناهمگونی‌ها را همگون سازیم.



تربیت و تغییر کاری است تدریجی و حوصله و شکیبایی می طلبد؛ اما در نهایت، باز هم مقداری فاصله و ناهمگونی باقی می ماند که باید آن را پذیرفت و بررفع کامل آن اصرار نورزید.^۱

چه نیکوست ابتدا تغییر و اصلاح را از خود شروع کنیم و سپس با نرمش و مدارا در دل همسر نفوذ کنیم تا صفات ناپسند را به تدریج از او بزداییم.
در دل و جان خانه کردی عاقبت

هر دورا ویرانه کردی عاقبت

آمدی کآتش در این عالم زنی

وانگشتی تا نکردی عاقبت

....

دانه ای بیچاره بودم زیر خاک

دانه را در دانه کردی عاقبت

دانه ای را باغ و بوستان ساختی

خاک را کاشانه کردی عاقبت

این سخن امیرمؤمنان علی علیه السلام شاید روش گویاتری برای ایجاد تغییر باشد که فرمود:

«إِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ اِحْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَعَاْفُلٌ»^۲

نیمی از وجود انسان خردمند، تحمل و شکیبایی است و نیمه دیگرش تغافل و چشم پوشی است.

۱. مظاهری، فرهنگ خانواده، ص ۴۷.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حکمت ۱۴۹۱۵.





منابع
و
مآخذ

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن حسام الدین الهندی، علی الممتقی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال؛ تصحیح صفوه السقا؛ بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
۴. الابی، منصور بن الحسین؛ نشر الدر فی المحاضرات؛ [بی جا]، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۵. اسلامی، سید حسن؛ اخلاق و جنسیت در حدیث «خصال النساء»؛ کتاب علوم حدیث؛ شماره ۴۹-۵۰.
۶. انصاریان، حسین؛ عرفان اسلامی؛ شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه؛ [بی جا]، نشر حجت، ۱۳۷۱.
۷. جعفری، محمد تقی؛ ترجمه نهج البلاغه؛ قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۸. جهانگیری، محسن؛ تمایزهای فقهی زن و مرد؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۹. حر عاملی، شیخ محمد حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه؛ [بی جا]، مؤسسه آل البیت، ج ۲۰، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حیدری، مجتبی؛ ویژگی‌ها و تفاوت‌ها و نیازهای عاطفی زنان و مردان؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۱۱. دادستان، پریخ؛ اختلال‌های زبان؛ تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۱۲. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ مجله زن روز، ش ۸۹۲.
۱۳. دی آنجلس، باربارا؛ رازهایی درباره زنان که هر مردی باید بداند؛ ترجمه آزاده سخایی منش؛ قم: ارمغان گیلار، ۱۳۸۸.



۱۴. طباطبائی، محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. طوسی، اسدالله؛ همسران شایسته: سیره تربیتی و اخلاقی پیامبر و اهل بیت در خانه و خانواده؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۱۶. دادستان، پریخ؛ اختلال‌های زبان؛ تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۱۷. قصری، عبدالجلیل بن موسی؛ شعب الایمان؛ قم: دارالحدیث، ۱۴۱۷ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: اسوه، ۱۳۷۲.
۱۹. لمبروزو، جینا؛ روح زن؛ ترجمه پری حسام شه رئیس؛ [بی تا]، ۱۳۸۰.
۲۰. مجلسی، علامه محمد باقر؛ بحار الانوار: الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار؛ [بی جا]، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۷۷، ۱۴۰۳.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۲۲. مشکینی اردبیلی، علی؛ المواعظ العدیة: تهذیب و اضافات لکتاب الاثنی عشریة؛ قم: [بی نا]، [بی تا].
۲۳. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۶.
۲۴. مؤسسه فرهنگی هنری طلایه داران نور آفاق؛ ماهنامه امتداد؛ ش ۳۶.
۲۵. نمازی شاهرودی، مستدرک سفینة البحار؛ [بی جا]، مؤسسه البعثه، ۱۳۶۸.
۲۶. نوابی نژاد، شکوه؛ روان شناسی زن؛ [بی جا]، علم، ۱۳۸۵.
۲۷. نوری (محدث نوری)، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ [بی جا]، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۱۴، ۱۴۰۸ق.
۲۸. هارلی، ویلارد. اف؛ نیازهای مردان، نیازهای زنان؛ ترجمه لیلا ماندگار؛ قم: سعید نوین، ۱۳۸۹.
۲۹. <http://sara-jamejamonline.ir>





کتاب‌ها

- طراوت بندگی (شرح احادیث اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی)
- قلّه‌های تهذیب جلد اول (حضرت امام خمینی رحمته‌الله)
- قلّه‌های تهذیب جلد دوم (حضرت آیت‌الله قاضی رحمته‌الله)
- قلّه‌های تهذیب جلد سوم (حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله)
- لباس روحانیت در نبرد با نمادها (کارکردهای لباس روحانیت)
- خانواده پایدار و خوشبخت (ویژگی‌ها، راهکارها و آسیب‌های خانواده خوشبخت)
- پاسداشت حریم همسر (مهارت‌های رعایت مرزها در روابط خانوادگی)
- صمیمیت و عشق در خانواده
- راهکارهای تقویت و ارتقاء انگیزه طلبگی
- روش تربیتی تحمیل بر نفس در منابع اسلامی
- درسنامه میثاق طلبگی
- همسرگزینی
- مشق عشق
- مدیریت خشم در خانه
- هفت روش مهار غریزه جنسی



محصولات فرهنگی

- مجموعه نسیم رحمت (۴۰ پوستر از آیات اخلاقی قرآن کریم)
- مجموعه طروات معرفت (۴۰ پوستر از احادیث اخلاقی کتاب اصول کافی)
- مجموعه بنرهای مناسبت‌های مذهبی (شهادت‌ها و ولادت‌های معصومین)





■ نرم افزارها ■

- نرم افزار مکارم ولایت (رهنمودهای اخلاقی تربیتی رهبر معظم انقلاب اسلامی)
- نرم افزار چندرسانه‌ای طراوات بندگی (شرح احادیث اخلاقی، رهبر معظم انقلاب اسلامی)
- نرم افزار چندرسانه‌ای جرعه‌های معرفت (کلیپ‌هایی کوتاه از دروس اخلاق)
- نرم افزار خوشه‌های معرفت
- نرم افزار قلّه‌های تهذیب ۱ (حضرت امام خمینی رحمته‌الله)
- نرم افزار قلّه‌های تهذیب ۲ (حضرت آیت الله قاضی رحمته‌الله)
- نرم افزار قلّه‌های تهذیب ۳ (حضرت آیت الله بهجت رحمته‌الله)
- نرم افزار قلّه‌های تهذیب ۴ (حضرت آیت الله شاه‌آبادی رحمته‌الله)
- نرم افزار قلّه‌های تهذیب ۵ (حضرت آیت الله طباطبایی رحمته‌الله)
- نرم افزار ندای تهذیب
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله میانجی
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله خاتمی
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله حائری
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله حق شناس
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله ممدوحی
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله اشتهاوردی
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله مشکینی
- نرم افزار درس اخلاق آیت الله بهاء‌الدینی
- نرم افزار رسم تقوا پیشگان (آیت الله خوشوقت)
- نرم افزار تهذیب اخلاق (آیت الله مجتبی‌ی تهرانی)
- نرم افزار طلبه موفق
- نرم افزار زندگی موفق
- نرم افزار ازدواج موفق
- نرم افزار مشاوره موفق
- نرم افزار استاد موفق





وبسایت‌ها

- | | |
|--|---------------------------------------|
| www.tahzib-howzeh.com | • وبسایت معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه |
| www.gholleha.ir | • وبسایت قلّه‌های تهذیب |
| www.fish-negar.com | • وبسایت شبکه فیش‌نگار وب |
| www.fm۲۴.ir | • وبسایت عرضه محصولات اخلاقی و تربیتی |
| www.telavat۱۱۰.ir | • وبسایت طرح ملّی اُنس با تقلین |
| www.etaqvim.ir | • وبسایت تقویم عبادی |

